

بنا بر این تصور نمیتوان کرد بهیچرازی که با روانی زبان فارسی مخالفتند ، دیگری چنین قاعده هائی را بزود در حلق دیگران فرو کند .



غلط دیگر!

«در نوشته های معاصران گاهی لفظ (يك) پیش از اسمهای نکره میآورند و ظاهر درست نیست ؛ بلکه باید مثلا بجای يك شیبی ، بنویسیم شیبی .»
تصحیح و رفع اشتباه :

نوشته فوق که متأسفانه در يك كتاب اشاء (!) گرفته شده ، از ریشه غلط است . بعلاوه نویسنده محترم در نوشتن جمله ساده بالا خود گرفتار چند غلط دستوری شده است بدینقرار : میآورند از مصدر (آوردن) بوده و فعل متعدی است و احتیاج به علامت مفعول بیواسطه یعنی (را) دارد که بدخترابه نویسنده كتاب اشاء آنرا اینطور مرقوم فرموده اند .

نگارنده و طبعه خود میداند که برای راهنمایی ایشان و سایر معصلاتی که دچار این قبیل اشتباهات میشوند ، برای نمونه جمله بالا را اینطور اصلاح میکند :

۱- در نوشته های معاصران گاهی لفظ (يك) را پیش از اسمهای نکره میآورند .
 یا بدینطریق

۲- در نوشته های معاصران گاهی لفظ (يك) پیش از اسمهای نکره میآید . پس از اصلاح جمله نویسنده ، اکنون باصل موضوع توجه نمائید . در گفتگوها و نوشته های امروز همیشه کلمه (يك) را پیش از اسمهای نکره بکار میبریم و میگوئیم يك ماشینی در راه و از کون شده بود .

يك روزی بالو به مسافرت رفتم . از اینها گذشته مولوی فرماید : دیدم موسی يك شبانی را براه - کوهی گفت ای خدا وای اله .



امیدوارم همین چند نکته بالا برای تنبیه باره ای از نوخاستگان و دشمنان زبان فارسی کافی باشد و ضمناً شما دانش آموزان و علاقه مندان به درست نوشتن هم ، توجه نمائید که نوشته های آنان درست مثل حرف ردن بوده و هرگز روانی و شیرینی زبان فارسی را فدای قاعده های کهنه و بسود بخور ننمائید

بخش سوم :

- ۱ - طرز فرستادن نامه‌ها ، امانت‌های پستی ، تلگرام‌ها و اطلاعاتیکه لازم دارید.
- ۲ - عنوان و پایان نامه‌ها و پاکت‌ها و طرز نوشتن آنها .

طرز فرستادن

نامه ها و امانت‌های پستی و تلگرامها و اطلاعاتیکه لازم دارید چون بسیاری از مردم ، بخصوص معطلان ، از طرز فرستادن نامه‌ها و امانت‌های پستی بوسیله پستخانه ، و ارسال تلگرام بوسیله تلگرافخانه ، آگاهی درستی ندارند ؛ ازینرو نکته های لازم را در باره آنها مینویسیم

۱- پاکت و مراسله عادی

هر پاکت یا نوشته ای را که تبریر بر آن چسبانده و در صندوقهای پستی بیندازیم ، میگویند بطور «عادی» فرستاده شده . زیرا هم کم خرج تر بوده و هم قید و شرطی ندارد .

۲- کارت پستال

کارت‌های مقواتی است با اندازه ۸×۱۲ سانتیمتر که نصف کاغذهای معمولی خرج تبرید دارد و یکطرف آن آدرس مرستنده و گیرنده و تبریر زده میشود و پشت آنهم نامه را مینویسیم . البته برای هیچکس جز دوستان خیلی نزدیک نباید کارت پستال فرستاد . چون دلیل کم فکری است .

۳- پاکت های شهری

یکوقت هست که شما یا اینکه در شهر خودتان مثلا « تهران » هستید ، نمیتوانید شخصاً نامه هایتان را بفرستد (چونیکه نامه باید برود) برسانید یا خودتان رفته و حرفتان را بزنید . لذا نامه ای نوشته در پاکت میگذارید و مقداری تبریزده بصندوق پست میاندازید . تا بقصد برسانند . روی این پاکتها بجای اسم شهری که در آن هستید ، فقط باید کلمه «شهری» را نوشت ، بقیه چیز های اینت پاکتها همانطور بستکه در پیش راجع بآن گفتیم .

۴- پاکت‌های سفارشی

چون وضع پستخانه ایران ، فعلا خوبست ؛ کمتر کسی نامه هایش را «سفارشی» میکنند ولی باوجود این باره ای اوقات ، نامه‌هایی دارید که باید بدانید بقصد رسیده یا نه ؛ مثلا کارنامه یکی از رفقایتان را میخواهید برایش بشهر دیگری بفرستید ، برای اطمینان باینکه حتماً امانت او بدستش رسیده است ، باید کاغذتان را « سفارشی » بنامید . در این موقع باید با اداره

پست رفته و در قسمت «سفارشی» نامه‌هایتان را «سفارشی» کرده و «قبض رسید» دریافت دارید که اگر کم شد، بان نشان دادن قبض با اداره، بتوانید آنرا پیدا نمایید.

این طرز فرستادن پاکت را که کرایه‌اش چهار برابر کرایه عادی است «سفارشی» میخوانند.

۵- پاکتهای بیمه

اگر بخواهید پولی را برای کسی بفرستید، فرستادن بطور عادی دو عیب دارد: اول - مسکنست کم شود، دوم - گیرنده آدم درستی نباشد و حاشا کند برای اینکار پول را در پاکت نهاده و با اداره پست میبرید و در قسمت «بیمه» آنرا بیمه کرده و قبض رسید میگیرید. آنجا جلوه خودتان پاکت را با پول بهم دوخته و لاک و مهر میکنند. و وقتی هم که بگیرنده آن رسانده از او هم رسید دریافت میدارند. هر گاه شما دلتان بخواهد بعد از چند روز میتوانید به اداره پست رفته و رسید گیرنده را ببینید. این پاکتها اگر در راه کم شود، اداره پست از عهده خسارت آنها برمی آید. این طرز فرستادن پاکت را «بیمه» گوئیم.

۶- امانتهای پستی

وقتی میخواهید شیرینی، میوه یا هر نوع امانت دیگری را برای کسی بفرستید، معلوم است که آن امانت را نمیتوان در پاکت گذاشت و باید بطور دیگری فرستاد. یعنی اول باید در جعبه‌ای گذاشت و سپس برای آن جعبه هم لفاف یا پوششی از پارچه دوخت و محل دوختن را با بجا لاک زد و مهر علامتی گذاشت. سپس با اداره پست برده و بیمه کرد. در اینحال امانت شما حتماً اشکالی نداشته و به قصد می‌رسد. در این مورد هم باید قبض پستی دریافت کرد.

۷- مطبوعات و روزنامه‌ها

هر چیز چاپ شده‌ای را که در پاکت نگذاشته و فقط اوله کرده یا بطور دیگر بوسیله پست بفرستیم، در ردیف «مطبوعات و چیزهای چاپی» حساب میشود. مثل کتاب، روزنامه و مجله.

این چیزها را با قیمت خیلی ارزان میتوان فرستاد و تمبر پستی آن از تمام اقسام پاکتها و امانتها ارزان‌تر است یعنی هر روزنامه بزرگ تقریباً ۵۰٪ بر بیشتر لازم ندارد.

۸- پاکت‌ها و امانت‌های هوایی

از وقتی که پست‌های هوایی در ایران دایر شده، مردم کاغذ‌ها و روزنامه‌ها و امانت‌های خود را بیشتر با آن می‌فرستند که زودتر برسد. تمام چیزهایی که درباره پست زمینی و پاکت‌های مربوط به آن گفتیم؛ برای پست هوایی هم همانطور است ولی گریه آن خیلی گرانتر می‌باشد. برای اطلاع بیشتر شما جدول مخصوص نرخ پاکت‌ها و امانت‌های پستی در صفحه جداگانه‌ای شرح داده شده است.

۹- تلگرام‌ها

تلگراف عبارت از وسیله ایستکه، با جریان برق خبرها و پیام‌های ما را بدیگران می‌رساند. چون سرعت برق از همه چیز در دنیا زیادتر است؛ پس وقتی بخواهیم پیام‌های ما زودتر برسد، باید تلگراف کنیم. از طرف دیگر باید دانستکه نرخ تلگرام نسبت به دست‌مزد پاکت‌های پستی، فوق‌العاده گران است. از اینرو باید مطالب و خبرها و پیام‌های ما خیلی خلاصه و کوتاه و مختصر باشد. مثلاً برای هر کلمه تلگرام در داخل ایران باید یکریال پرداخت. پس اگر آنچه را که در یک نامه دوستانه نوشته‌ایم؛ بخواهیم تلگراف کنیم باید ۸۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال پول داد.

از اینرو باید بخاطر داشته باشید که: اولاً چیزهای خیلی خیلی فوری و لازم را باید بوسیله تلگراف خریداد. ثانیاً - آنچه که از همه مهمتر است باید در تلگرام نوشت. ثالثاً - تمام چیزهایی را که درباره‌اش و نامه گفتیم مثل زیبا نوشتن، مقدمه، متن و نتیجه... ابدأ لازم نیست و نباید در تلگرام پای بند آنها بود. در قسمت آخر کتاب؛ طرز نوشتن تلگرام‌ها را می‌توانید یاد بگیرید.

۱۰- کارت ویزیت

بد نیست بدانید که به‌صنوع کارتهای مقوایی کوچک بطول ۹×۶ سانتیمتر هست که در یک روی آن اسم خودتان را چاپ کرده‌است آنرا سهید گذاشته در مواقع لزوم از آن استفاده می‌نمایند. یعنی مثلاً وقتی که بخانه دوستی رفته‌اید و نبوده، برای یادآوری این کارت را آنجا می‌دهید و اشاره‌ای هم بر متن و ندیدن او می‌نمایند. یا مثلاً برای عیادت بیمار، یا خداحافظی، یا دیدن بازدید عید که می‌روید، اگر صاحب‌خانه در منزل نباشد؛ لازم است که شما کارت ویزیت خودتان را باز گرایسکه برای چه کاری با آنجا رفته بودید؛ نوشته و آنجا بگذارید. «ویزیت» در زبان انگلیسی به‌معنی ملاقات کردن است.

نظمت اینگونه اسم این کارت ها را هم ((ویزیت)) گذاشته اند، بواسطه همین موضوع است. برای نمونه باندازه و شکل کارت ویزیت در اینجا نگاه کنید

حسام الدین امامی

عنوان و پایان نامه و پاگتها

و طرز نوشتن آن

در قسمت‌های پیش ، یادآور شدیم که هرانشاء یا نامه اسی دارد مثلا وقتیکه میگویند درباره «بهار» یا «يك محصل خوب» انشائی بنویسید؛ کلمه‌های «بهار» «يك محصل خوب» را اسم انشاء یا «عنوان» یا «موضوع» یا «سوژه» آن میگویند .

درباره نامه‌ها هم همینطور است . یعنی وقتی که برای کسی ، مه‌ای مینویسیم . اسمها و سایر کلمه‌هایی که حالت تعارف و احترام را داشته و بالای صفحه نوشته شده و خطاب بآن شخص است ، «عنوان» نامه مینامیم . برای اینکه بدانید عنوان نامه‌های گوناگون چگونه باید نوشته شود ، تعداد زیادی از آنها را در جدول «صفحه بعد» آورده‌ایم که دره‌وقع نامه نگاری اشکال شما برطرف گردد. ولی محصل خوب کسی است که پس از فکر کردن ، با ذوق و ابتکار خویش ، عنوانهای دیگری هم درست کرده و بکار برد. یا افلا از ترکیب پاره‌ای از کلمه‌های عنوانهای مزبور، عنوانهای تازه‌ای بسازد .

ناگفته نماند که پس از نوشتن نامه ، اگر نتوانیم آخر آنرا درست تمام کرده و جمله تشنگی بکار بریم ، نامه ما بی‌معنی است. از اینرو جمله‌ها و کلمه‌هایی هم که در آخر نامه ها بکار می‌رود و حکم تعارف را دارد ، و نشانه ادب و تربیت نویسنده آنست همراه جدول عنوانها نوشته‌ایم . این کلمه‌ها را بنام «پایان» مینامیم که برای شما توایید اشکال نکنند .

عنوان و پایان نامه‌های رسمی

پایان	عنوان	
	پیشگاه اعلی حضرت همایونی	۱- برای شاه

احترامات شایسته را تقدیم عید دارد . شایسته ترین احترامات را تقدیم مینماید . با تقدیم احترامات فائزه . با تقدیم شایسته ترین احترامات با تقدیم مراتب دولتخواهی . احترامات لازمه را پیشکش مینمایم .	جناب آقای نخست وزیر گرانمایه ایران دفتر محترم نخست وزیری جناب آقای وزیر محترم کشاورزی مقام محترم وزارت پست و تلگراف ، دفتر محترم وزارت دارائی . ***	۲- برای نخست وزیر و سایر وزراء
	جناب آقای رئیس مجلس شورایی « « « « سنا ساحت مقدس مجلس شورایی مجلس مقدس شورایی ***	۳- روسای مجلس شورا و سنا

احترامات شایسته و ازادتهای صمیمانه را تقدیم میدارد با تقدیم احترام . در پایان احترامات شایسته را تقدیم می نماید . منتظر اقدامات عالی . امید است توجهات لازم را مبذول فرمایند .	جناب آقای ... مدیر کل محترم وزارت فرهنگ مقام محترم مدیر کل وزارت دارائی . « « « معاونت « استاندار معظم استان هفتم جناب آقای استاندار و الامقام استان فرماندار محترم مقام محترم فرمانداری شهرستان	۴- برای مدیر کل ها ، معاون های وزارتخانه ها ، استان داران و فرمانداران

پایان	عنوان
<p>منتظر توجه آن مقام محترم است. بیش از این مصدع نمیشود. « « مزاحم نیگردد. زیاده مزاحم است : مصدع . بیش از این جسارت نمیکند.</p>	<p>..... ریاست محترم اداره کار استان پنجم . مقام محترم ریاست بهداری خوزستان جناب آقای ریاست محترم پست و تلگراف تهران جناب آقای کفیل محترم پست و تلگراف تهران . جناب آقای معاون محترم پست و تلگراف تهران . اداره محترم فرهنگ خراسان .</p>

ک برای
ادارات



روی پاکتها

عنوانهای بالاها بطوریکه در وسط نامه بالای صفحه نوشته میشود!
در پاکت هم همینطور است . منتها باید کلمه‌هایی مانند : «ملاحظه فرمایند»
«مشرف گردد» ، «توجه فرمایند» را اضافه ماعیم یا اینکه باید جمله : «تقدیم
گردید» ، «معروض شد» و نظیرهای آنرا در آخر گذاشته و بک حرف «به»
یا اول عنوانها اضافه کنیم نظیر :

حضور جناب آقای معاون محترم وزارت فرهنگ تقدیم گردید .
به مقام محترم ریاست دارایی استان ششم تقدیم میگردد
به پیشگاه جناب آقای نخست وزیر محبوب معروض شد .
انظر جناب آقای معاون محترم اداره اقتصاد استان اول بگذرد .

عنوان و پایان نامه‌های دوستانه و خصوصی

پایان	عنوان	
قربانت ، قربانت یسرت ، آنکه بوجود آورنده است . آنکه همیشه بیاد شماست . در پایان دست شمار امیو سم . آنکه همیشه بیاد شماست . * * *	پدر عزیزم ، پدر بزرگوارم ، خداوند کارا ، صاحب . عموی عزیزم ، عموی گرامیم ، دائمی - گرانمایه مادر عزیزم ، مادر ارجمندم ، مادر گرامی و مهربانم ، مادر مهر پرورم . خاله جان محترم ، خاله جان عزیزم ، * * *	۱ - برای پدر و مادرو دیگر بستگان و نزدیکان
قربانت ، برادر تو ، مشتاق زیارت تو ، خواهر تو . آرزو مند سعادت و سلامت تو * * *	خواهرم ، خواهر مهربانم ، خواهر عزیز و گرامیم ، نازنینم ، نازنینا ، برادرم ، برادر مهربانم ، برادر گرامیم پسر عموی عزیز و مهربانم ، پسر عموی محترم ، پسر خاله عزیز ، * * *	۲ - برای خواهر و برادر و نظیرهای آنها
آنکه همیشه در قلبش هستی . قربانت ، * * *	همسرم ، همسر مهربانم . همسر با وفا و نازنینم . * * *	۳ - برای همسر
قربانت ، ارادت مند صمیمی . باید دیدار ، آرزو مند سعادت تو . با انتظار موفقیت های تو . دوست تو . آنکه هرگز قرا موشت نمیکند ارادت مند . آنکه دائم بیاد تست . * * *	دوست محترم ، دوست و الامقام ، دوست عزیز ، دوست ارجمند ، دوست گرانمایه دوست نازنینم ، باوقایم ، ارجمند عزیز ، ارجمند گرامی ، دوست من ، با وفا دوستم ، رفیق شعیق ، مشفق مهربان ، احمد عزیزم ، عزیزم ، گرامی دوستم ، عزیزا ، ارجمندا ، دوست والا کپر ، * * *	۴ - برای دوستان بزرگ و کوچک
شاگرد شما ، شاگرد وفادار شما ، آنکه همه چیز خود را از شما میداند . کسیکه زحمات شما را هرگز از یاد نمیرد . ارادت مند صمیمی شما ، جان نثار * * *	پدرم ، پدر و وسائیم ، بزرگوارا ، استاد گرامی ، معلم عزیز و ارجمندم ، پرورنده روحم . * * *	۵ - برای استاد و معلم
پدرت ، مادرت . * * *	او چشمم ، فرزنده گرامیم ، پسرم ، مایه زندگیم * * *	۶ - برای فرزندان

بخش چهارم :

نامه های
رسمی و اداری

اصفهان : تاریخ

جناب آقای نخت وزیر و الامقام ایران

معتبراً خاطر عالی را مستحضر میدارد .

از آنجا که توجه آنجناب

پیوسته مراقب آسایش مردم و اجراء اصول آزادی و دموکراسی است ،
و در سخنرانیهای خود نیز مسئولان امور را دائماً بر عایت این موارد ،
تأکید و ترغیب فرموده‌اید ، واجب دید که در موضوع عقب افتادن انتخابات
شهرستان اصفهان خاطر آنجناب را رتبه سازد :

توضیح آنکه قریب دو ماه از گشایش مجلس شورایی میگذرد، در
حالیکه مردم این سامان ، هنوز نماینده‌ای در آنجا ندارند .

چون در بسیاری از امور ، قصصها و عقب افتادگیهای داریم که نبودن
نمایندگان ما در مجلس شورا ، این آلودگیها را زیاده‌تر میکند ، لذا از
حضور عالی تقاضا دارد که با در نظر گرفتن صلاح ملک و ملت ، دستور
شروع انتخابات این شهرستان را بوزارت کشور صادر و تکلیف مردم این
ناحیه را تعیین فرمائید .

با تقدیم شایسته ترین احترامات

اعضاء

شانی :

شیراز : تاریخ ۳۱

مقام محترم وزارت کشاورزی

محترماً -

بطوریکه خاطر اولیای معظم آوزارتخانه روشن است ،
از ابتدای سال جاری نه تنها اراضی این شهرستان ، بلکه تمام نواحی جنوبی
کشور مورد هجوم ملخ دریائی فرارگرفته است .

اطلاعات لازم رادرمورد زمینهای آمت دبدده ، بوسیله ادارات کشاورزی
هر ناحیه مرتباً بتهران گزارش داده و مقامهای مسؤول را کاملاً از خطر
وحشتناك آن بااطلاع کرده اند .

اگر توجه فوری برای جلوگیری ازملخ بشود ؟ چون وضع محصول
امسال فارس نسبتاً خوبست ، نه تنها خوراك تمام مردم این سامان را تأمین
مینماید ، بلکه میتواند نیازمندیهای سایر نقاط کشور را هم فراهم سازد .
متأسفانه اداره کشاورزی شیراز ، بواسطه نداشتن بودجه کافی و
کمبود مأمورین کارشناس ، بتنهائی قادر بمبارزه با این بلا نیست .

بدینجهت مردم عموماً تقاضا دارند که تا کارازکار نگذشته و آذوقه
سالیانه يك آستان بزرگ ، طعمه ملخ نشده . بااعزام کارشناس ووسیله -
های لازم ، دردمع ملخ وازمیان بردن اینت بلای مخوف اقدامهای اساسی را
مبدول فرمایند .

از جسارت خود پوزش میطلبد

امضاء

نداشته : . . .

داراب : تاریخ

مقام معظم وزیر سرانمایه فرهنگ

با کمال احترام عرض میرساند .

قریب دو ماه است که در اثر تقاضاهای بی دریغ مردم و توجه فرهنگ «داراب»، دبیرستانی در این بخش دایر و با مساعدت اهالی، تمام وسائل آن آماده گشته است اما متأسفانه، نظر باینکه هر سال در آغاز شهریورماه فرهنگهای تابع، دچار کمی دبیر و معلم هستند، نتیجه اقدامات بجائی نرسیده و اطفالیکه با یکندنیا شوق و علاقه طالب تحصیل داش هستند، تکلیف خود را نمیدانند .

چون همه ساله چنین وضعی در «داراب» و سایر شهرستانها اتفاق می افتد و یکی دو ماه از سال تحصیلی اطفال بهدر میرود، معلومست که در نتیجه امتحانات آخر سال آنها چه اثرات بدی دارد

بنا بر این بنا به رضی بالا، از حضور جنابعالی تقاضا میکنم که نسبت باین مشکل بزرگ توجه خاصی مبذول فرمایند

با علاقه عمیقی که آنجناب برای توسعه و گسترش فرهنگ و تربیت عمومی کشور دارند، امیدوار است که آرزوی مردم این سامان در آینده نزدیکی بجایه عمل پیوشد .

با تقدیم احترام

امضاء.....

نشانی :

نام شهر : تاریخ

دادستان محترم شهرستان

محترماً خاطر عالی را تصدیق مینماید :

از آنجا که اجراء قانون، توسعه عدالت و دادرسی مردم ، از وظایف وجدانی مسؤولان دادگستری بوده و رفتار و کردار آنجناب نیز در مدت خدمت خویش ، جز بر این مبادی نگردیده است لازم دانستکه شکایت زیرین را خدمتتایف تقدیم نسایم ؛
چند روزیستکه عده ای گمراه و بداندیشه هنگام تعطیل مدرسه ها ، در راه دوشیزگان و اطفال مردم ایستاده و با ادای کلمه های زشت و سخنان ناستوده ، مزاحم آنان میگرددند.

چون تکرار اینگونه بدکاریها، از همه چیز گذشته ، با حیثیت و آبروی این شهر و مردم آن بستگی دارد و کوچک شمردن آن ممکنست کار را بجاهای باریک و خطرناک بکشاند ، ناگزیر با تقدیم صورتی از اسامی آنها و شهادتی که مغازه داران اطراف در زیر آن داده اند ، تقاضای رسیدگی موضوع و تعقیب گمراهان را دارد.

با تقدیم احترامات فائقه

امضاء

نشانی :

«اقلید» تاریخ

ریاست محترم پست و تلگراف آباده

محترماً

مدتیست که نامه‌ها و امانت‌های پستی مردم این ناحیه، با همان وسیله های قدیمی، یعنی قاصدهای سواره حمل و نقل میگردد. با وجود کوششی که پیکهای مزبور در انجام وظیفه خود دارند، نامه‌ها و سایر امانت‌ها؛ زودتر از سه روز از «آباده» به «اقلید» نمیرسد.

در دنیا اینکه برق و نیروی اتم، همه چیز را آسان کرده، و تازه ترین خیرها را در مدتی، خیلی کوتاه، بدو نزدیک شهرها و آبادیها می‌رسانند این وضع نامه رسانی، با این وسیله های ناقص مایه تأسف و اتلاف وقت و تحمل زحمتهای زیادی است.

سابقاً چون وضع راهها خراب و اتومبیل کمیاب بود؛ مردم حرفی نداشتند. ولی اکنون که این مشکلات برطرف شده، امیدوار است که نسبت به برقراری ارتباط پست ماشینی میان آباده و این بخش، توجه کافی مبذول داشته و این مشکل را که مایه زحمت همگان است، از میان بردارند.

میش از این مزاحم نمیشود

اعضای

نشانی

نام شهر: تاریخ -

اداره محترم شهرداری

محترماً بدینوسیله زحمت می‌دهد:

با وجود شکایتهای گوناگونی که در باره

عدم نظافت و خرابی کوچه‌های این محله، بآن اداره شده، دستورهای لازمی که برای رفع آن صادر نموده‌اید، معلوم نیست بچه علت هنوز وضع پیشین تغییر نگرفته است.

درست است که آن اداره محترم توانایی اسفالت‌گذاری کوچه‌ها را ندارد؛ ولی دست حکم می‌توان با نصب یکی دو شعله چراغ و پاک کردن مجاری فاضل آب، بسیاری از مشکلات را برطرف ساخت. بدین معنی که از اهباخته شدن گل ولای در راه مردم جلوگیری نمود و صدمه‌هایی که از بیچراغی حاصل می‌گردد، مرتفع ساخت.

مردم این کوی انتظار دارند که تارمستان نرسیده و موقع مناسب است نسبت به نواقص بالا توجه گردد. علاوه اداره شهرداری، رفتن کراں را بوظیفه خود آشنا سازد؛ تا خاکروبه‌ها و کثافاتیکه مایه بروز بیماریهای خطرناکی هستند، بالای بهداشت و سلامتی ساکنان این ناحیه نشوند.

بامید اقدامات شایسته

امضاء ...

نشانی: ...

نام شهر : تاریخ

اداره محترم دارائی

با عرض معذرت زحمت افزا میگردد که :

با وجود دستورهای اکیدیکه آن اداره محترم ،
بماملین قند و شکر داده است بازهم پاره ای از آنها ، از راه انصاف خارج
شده ، و علاوه بر آنکه بیپایانهای گوناگون مردم را معطل ساخته و قنشان
را تلف میکنند . از بعضیها هم پول زیادی گرفته و جنس کمتری میفروشند .
مردمی هم که مورد ظلم قرار گرفته اند ؛ علت این ستمکاریها را
بیتوجهی مامورها و بازرسان آن اداره میدانند .

از اینرو خواهشمند است دستور فرمائید اولاً نسبت بطرز کار و رفتار
همه عاملهای این شهر بازرسی شود و ثانیاً ، عاملهای شماره ... و ...
ساکن کوی . . که بی انصافی را از حد گذرانده اند ، طبق قانون مجازات
اگردند ، تا کسی جرأت دست دزدی بحق مردم را نداشته باشد .

بامید اقدامات فوری

امضاء . . .

نشانی : . . .

شهر بایک : تاریخ

مقام محترم ریاست بهداری استان دهم

محترماً :

زردبک دوماهست که بیماری تراخم ، در میان مردم این حدود شیوع یافته و روز بروز زیادتر میشود .

هوای گرم و بادهای ناپهنگام هم که موجب آلودگی آنست ؛ بیشتر باین مصیبت کمک مینمایند . سالهای قبل ، پیش از تابستان مأمورهای سیار بهداری «بشهر بایک» آمده و برای مبارزه با این بیماری، کمک می کردند.

بدخترانه ؛ اکنون ؛ درحالیکه دوماه از تابستان میگذرد ؛ باوجود گزارشهای زیادی که با اداره بهداری داده شده ؛ خبری از دارو و پزشک و مأمورهای بهداری نیست .

بدینوسیله مایه اتلاف وقت آنجناب گردید ؛ تا هرگونه اقدام فوری را که شایسته میدانند ؛ برای نجات مردم این سامان ؛ ازشریاری تراخم میذول داشته و ما را مرهون خود سازند .

باتقدیم احترام صادقانه

ضمیمه . . .

نشانی :

اسم شهر: تاریخ

سردیر گرامی روزنامه وزین

به بدینت وسیله خاطر محترم را رنجه میدارد :

از آنجا که رهبری افکار عمومی بر عهده صاحبان قلم و نویسندگان بوده، و وظیفه روزنامه نگاری، مسؤولیت‌های اجتماعی بزرگی را بردوش شما گذاشته‌است لازم دید خاطر آن سردیر محترم را به کارهای ناپسند عده‌ای که پشت پابر منافع اجتماع زده و در این فصل زمستان به خارج کردن آذوقه و خوراک مردم دست زده‌اند؛ متوجه سازد .

از قرار معلوم دولت هم ، بادستورهای سخت خویش ، برای جلوگیری از بدکارهای این گروه ، اقدام‌هایی مینماید ، بدینمعنی که بازرسان شهرداری و دارائی و سایر مأموران دولتی با وسیله‌های گوناگون جلو آنها را میگیرند . اما تصدیق میفرمائید که تا ذهن عموم مردم نسبت به فساد کار آنها روشن نشود ، نتیجه قطعی نخواهد داشت .

از اینرو امیدوار است که آت روزنامه گرامی از این بیهود توجه عامه را بیش از پیش باین موضوع حیاتی و خطرهای آن متوجه سازد تا بلکه با همکاری همه ، ریشه این بدکارها قطع گردد .

قبلا از توجهی که بدین موضوع مبذول خواهید داشت، تشکر

می نمایم .

امضاء

نشانی:

اصفهان تاریخ

شرکت محترم کل تلفن

محترماً، دینوسیله خاطر شریف را آگاهی میدهد :
بطوریکه مطالعین، مقصود از ایجاد تلفن و تلگراف و غیره ، تسریع
و گشایش در کارها و بالنتیجه جلوگیری از اتلاف وقت مردم است .

اما متأسفانه ، این حقیقت در مورد تلفنهای داخلی کشور ما درست
نیآید . بارها اتفاق افتاده که کسی را از جایی خواسته ایم که بوسیله تلفن
با او صحبت کنیم ، و پس از سه چهار روز آمدورفت نه تنها موفق نشده ،
بلکه مقدار زیادی از اوقات خود را هم تلف کرده ایم .

نکته دیگر اینکه ، پس از حاضر شدن شتونده ؛ بواسطه فرسودگی
و خرابی دستگاههای تلفن ، گهتگوهای دوطرف بزرحمت شنیده شده و آخر
هم کار به نتیجه نرسیده ، آنرا رها کرده ایم ؛

چون بطوری که تحقیق شده ، و دائماً هم دیده و شنیده ایم ، این خرابیهای
ناسند فقط مربوط بتلفن خانه این شهر نبوده ؛ و سایر نقاط هم کم و بیش
گرفتار این ماجرا هستند ؛ ناگزیر بآن اداره متذکر گردیده ، تا در رفع
نقصهای موجود اقدام محکمه کرده ؛ هم مردم را راضی و هم سرمایه و درآمد
خود را افزوده نمایند . چه که خوبی دستگاه تلفن مایه جلب مشتری
پیشتری است .

از جسارت خود معذرت میخواهد .

امضاء

نشانی :

نام شهر: تاریخ: _____

وزارت محترم فرهنگ

« اداره کل نگارش »

محترماً بدینوسیله خاطر نشان میسازد :

بطوریکه اطلاع داریم ، آن اداره محترم برای راحتی مردم و ارزانی و صرفه جویی کتابهای کلاسی ، چاپ و انتشار آنها را در یکی دو سال اخیر آزاد گذاشته است تا شرکتهای چاپ هر کدام اقدام با انتشار کتابها کرده و بعد کافی در اختیار دانش آموزان و خوانندگان بگذارند .

ولی ، متأسفانه باید گفت که در این کار نظر وزارت فرهنگ بدستی رعایت نشده و عیبهای زیر را دارد :

۱- کتابها از نظر موضوع با هم اختلاف داشته در کار تدریس تولید اشکال میسازد .

۲- از حیث چاپ و کاغذ ، پست برده قیمت آنها گرانتر از معمول است .

۳- صکه از همه مهمتر است ، غلطهای چاپی آنهاست که از یک کتاب وزارت ، چنین اشتباهی ابداً شایسته نیست .

بنابراین بالا ، مستدعی است در سال آینده ، ناشران کتابهای کلاسی را مجبور بر رعایت مقررات لازم فرمائید ؛ تا هزاران محصل گرفتار دردسر

نبوده و در کار تحصیل آنها مشکلی پیش نیاید .

بامید توجهات مخصوص

امضاء _____

مبدأ : تاریخ

اداره محترم کشاورزی

با تقدیم احترام زحمت نمیدهد که .

اخیراً محصول چغندر این ناحیه، مورد هجوم یکنوع

کرم مخصوصی واقع شده و هنوز برگها جوانه نزده ؛ فاسد میگردد ؛
چون دو ماه پیشتر گشایش کارخانه نقد باقی نمانده و از طرفی مصرف
عمده کارخانه مزبور فقط از محصولهای این دهستان تأمین میگردد ؛ اگر از
همین حالا اقدام فوری نشود ، نه تنها محصول شکر کارخانه از بین رفته
و بالنتیجه خسارت عمده ای بدو آمد کشور وارد میگردد ؛ بلکه ژار همین و
چغندر کاران نیز که تمام سرمایه و کوششهای سالیان خود را صرف زراعت
این محصول کرده اند ، قطعاً از هستی ساقط خواهند شد .

از اینرو تقاضای توجه کافی و اقدام فوری دارد .

پیش از این زحمت نمیدهد .

امضاء

نمای

مبدأ . تاریخ

ریاست محترم اداره نظام وظیفه

محترماً تقاضا دارد که برایش زیرین توجه فرمایند :

برادر اینجانب . . . شناسنامه شماره . . .

متولد سال . . . اخیراً به خدمت نظام وظیفه فرا خوانده شده است .

از طرفی بنده که تنها برادر او هستم ، مشغول ادامه تحصیل بوده و از عهده اداره کردن مادر و خواهرانم برسیایم ، علاوه کس دیگری هم در میان ما نیست که این خانواده را سرپرستی و نگهداری نماید .

از اینرو دوسال خدمت زیر پرچم او ، بطور یقین مایه بدبختی و نابودی ما خواهد شد . بنا بدلائل بالا تقاضا دارد که موضوع را مورد توجه قرار داده برای معافی او از خدمت زیر پرچم و بالتبجه تامین آسایش يك خانواده اقدام کافی مبذول فرمایند .

زیاده جسارت ورزید .

امضاء . . .

نشانی

مبدأ : تاریخ

مدیر محترم دبستان

با کمال احترام عرض می‌رساند که :

این بنده..... دانش آموز کلاس ششم آن دبستان،

با اینکه در کلیه امتحانات داخلی شرکت کرده‌ام، متأسفانه در صورت اسم‌پاشی که از شاگردان قبولی و نمرات امتحانی آنها، بر تابلو اعلانات نصب شده بود؛ مرا در درس انشاء غائب قلمداد کرده و بالنتیجه از نمره محروم ساخته بودند. چون آموزگار محترم هم شرکت مرا در امتحان انشاء کاملاً بی‌خاطر دارند؛ تصور می‌کنم ورقه امتحانی بنده داخل ورقه کلاسهای دیگر رفته و این اشتباه پیش آمده باشد.

لذا با تقدیم مدرک پیوست : (ورقه پیش نویس انشاء که مهر و امضاء مدرسه را هم دارد) خواهشمند است؛ پس از تحقیق از شاگردانیکه با آنها امتحان داده‌ام؛ نسبت بایتموضوع اقدام فوری بفرمائید. زیرا مدت کمی بامتحانات نهائی مانده و نبودن همین نمره، ممکنست مایه کمی معدل و محروم ساختن بنده از امتحانات گردد.

از جسارت خود پوزش می‌طلبم.

امضاء . . .

بطوریکه می بینید در این قبیل نامه ها « نشانی » خود را
نمی نویسیم ، لابد خودتان هم علت این کار را فهمیده اید.

کرمان؛ تاریخ

وزارت محترم فرهنگ

« اداره امتحانات و برنامه ها »

محترماً - اینجانب . . . فارغ التحصیل شش ساله ابتدایی دبستان . . . کرمان ، در خرداد ماه سال پیش ، در امتحانات نهائی قبول شده و پروانه آنرا هم اکنون در دست دارم .

در بهمن ماه گذشته ، که گواهینامه عموم فارغ التحصیلها ، بکرمان رسید متأسفانه مال بنده همراه آنها نبود .

خوشبختانه اداره فرهنگ محل از همان روز ، بوسیله مکانه ، از آن اداره محترم علت را خواستار گردید، ولی تا امروز که سه ماه میگذرد جوابی نرسیده است .

چون برای ادامه تحصیل و کار ، احتیاج بگواهینامه مذکور دارم ؛ با تقدیم شماره پروانه امتحانی و تاریخ آن ، نام و نام خانوادگی و سایر نشانیهای خود ، تقاضا دارم برای صدور و ارسال گواهینامه بنده اقدام فوری مبشور دازند .

با تقدیم احترام.

امضاء

نام و نام خانوادگی و نشانی :

مبداء : تاریخ — —

اداره محترم آمار و ثبت احوال مشهد

محترماً :

با تمام مواظبتی که از اوراق گراسها میکنم ، متأسفانه دفتر شناسنامه بنده ، همراه بسیاری از مدارك دیگر اخیراً مفقود گردیده است . چون در هر چه مرور ، همیشه مورد احتیاج انسان است ، از اینرو با تقدیم سه قطعه عکس ، یونان تمبر ، تاریخ تولد و شماره شناسنامه خود؛ تقاضا دارم که شناسنامه تازه ای برای بنده صادر فرمایند .

دریاده مراجع است .

نام و نام خانوادگی

امضاء

نشانی

مبدأ : تاریخ —————

دفتر اسناد رسمی شماره

محترماً زحمت میدهد :

بطوریکه اطلاع دارید در تاریخ سندی بشماره . . .
میان آقای . . . و اینجانب در آن دفترخانه بامضاء رسیده و مبلغ /۲۰۰۰
ریال در مقابل گرو گرفتن یکباب منزل بمشارایه پرداخت نموده‌ام .
چون تا امروز ششماه از موعد پرداخت پول گذشته ، و با وجود تذکرات
کتبی و شفاهی اینجانب ، نامبرده حاضر بپرداخت بدهی خود نشده و مرتباً
شانه از زیر آن خالی مینماید ، از اینرو مستدعی است بسوکالت از طرفه
اینجانب برای دریافت طلبم ، از طریق اداره ثبت اسناد ، بصدر و رفته
اجرائیه اقدام فرمائید

با تقدیم احترام .
امضاء

نام و نام خانوادگی و نشانی :

هیداً : تاریخ.....

دفتر محترم دبستان.....

بدینوسیله زحمت افزا میگردد :

یا تمام علاقه ای که بشرکت در امتحانهای خرداد
ماه داشتم و اولیای محترم آندبستان نیز گواه من هستند ، متأسفانه بواسطه
بیماری مالاریا، از این سعادت محروم گشته ام .
قبلا هم بوسیله برادرم ، موضوع را با اطلاع آندبستان رسانیده ام .
اکنون نیز برای آگاهی بیشتر آن اولیای محترم ، عین گواهی بزرگ و
مدتی را که برای استراحت بنده لازم شده است ، همراه این نامه تقدیم
مینمایم ؛ تا در پرونده تحصیلی اینجانب ضبط گشته و جزو غایبان بدون
عذر موجه محسوب نگردم .

با تقدیم احترام و ارادت..

نام و نام خانوادگی .

امضاء.....

توجه نمائید!

شماره گذاری صفحات ۴۶ ر ۴۷ ر ۴۸ ر ۴۹ ر ۵۰ ر ۵۱ ر ۵۲
۵۳ ر ۵۴ ر ۵۵ ر ۵۶ ر ۵۷ ر ۵۸ ر ۵۹ ر ۶۰ ر ۶۱ اشتباه و بجای
آن شماره صفحات مزبور بترتیب :
۴۹ ر ۵۰ ر ۵۱ ر ۵۲ ر ۵۳ ر ۵۴ ر ۵۵ ر ۵۶ ر ۵۷ ر ۵۸
۵۹ ر ۶۰ ر ۶۱ ر ۶۲ ر ۶۳ ر ۶۴ میباشد .

مبدأ : تاریخ

شرکت مسافری

محترماً خاطر نشان میسازد که :

تاکنون آنچه تجربه کرده ایم ، اینستکه شرکت شما نمونه‌ی بهترین شرکتهای مسافری این کشور است . حسن رفتار ، کارکنان و موقع شناسی آنها رعایت ارزش وقت و سلامتی مسافرها و سایر خوبیهای دیگر ، از چیزهاییستکه مردم را علاقمند بسافرت با او میبیلهای آن مؤسسه مینماید .

از اینرو تعجب میکنید ، اگر شما یادآور شوم که ضمن اتمام برادر من که اخیراً از بروجرده با اتومبیل شماره . . . آن شرکت بتهران آمده ، چندان کوچکی بوده که سانسفاه بمنزل تعویل نشده است .

چون بدستکاری و مراقبت کارکنان آن مؤسسه آگاهم ، مطمئنم که چندان مزبور یا امثباتها در اناثبه سایر مسافران داخل شده و یاد دفتر آن شرکت ، در بروجرده مانده و فراموش شده است .

بهر حال ، با ارسال این بلیط ؛ خواهش منداست جستجو کرده و زودتر تکلیف آنرا تعیین و بمنزل تعویل فرمائید .

منتظر توجه شما هستم

نام و نام خانوادگی .

امضاء . . .

نشانی : . . .

تهران : تاریخ —————

وزارت محترم فرهنگ

اداره بازرسی

بدینوسیله با اطلاع عالی می‌رساند که :

قطعاً خاطر اولیای محترم آن

اداره از وضع زندگی در تهران و مشکلاتی که از لحاظ خانه و مسکن در راه مردم است ، استحضار کافی دارد . همین جهت اخیراً اینجانب مجبور شد که منزل خویش را از خیابان ژاله ، چهارراه حسن آباد انتقال دهد .

چون اکنون تمام مدارس ، باندازه گنجایش خود ، شاگرد پذیرفته و از قبول فرزندان اینجانب که بدستان . . . در خیابان ژاله میرفته اند قطعاً خودداری خواهد کرد ، لذا با تقدیم کارنامه‌های کلاسی آنها و نامه دبستان پیشین ، خواهشمند است بدفتر یکی از مدارس سبکه در حدود چهارراه حسن آباد باشد ، دستور فرمائید تا نامبردگان را در کلاسهای مربوط پذیرند که در ادامه تحصیل آنها شکستی پیش نیاید .

منتظر بذل توجه آن اداره است

نام و نام خانوادگی

امضاء . . .

نشانی: . . .

بخش پنجم :

نامه های خصوصی ، خانوادگی
و دوستانه

تهران : تاریخ.....

پدر بزرگوارم :

اگر گمان کرده‌اید ؛ دوری از شما و دیگر افراد خانواده ، مرا از وظیفه‌هایی که بعهده داشته‌ام ؛ غافل کرده باشد ، نهایت بی‌مهری است. زیرا فرزندی که سالهای متوالی زیر سایه تربیت چنان پدری ؛ بزرگ شده ؛ هیچگاه آنچهره نورانی و سخنان مهرا انگیزی که سعادت دو جهان را باو ارزانی داشته است ، از یاد نخواهد برد .

درست است که تهران شهر بزرگ و مشغول کننده‌ای بوده و زیباییهای بیشماری برای سرگرمی دل‌های هوس باز دارد ، ولی من هرگز خوشبختی جاویدان خود را فدای هوسناک‌های گذرنده نخواهم کرد ؛ هنوز آخرین نصیحت‌هاییکه هنگام حرکت بمن میدادید ، جلو چشم بوده و مانند ستاره سعری ، راهنمای تاریکیها و ناامیدیهای منست .

بهمراه این نامه ، کارنامه تحصیلی خود و گزارش اولیاء دبیرستان را تقدیم داشتم ، که شما و مادرم تا اندازه‌ای به نتیجه حرفهای نهربخش خود آگیا شوید .

مادر را سلام آرزومندان رسانده و دست شما و ایشان را از راه دور میبوسم .

با امید دیدار

امضاء.....

نشانی : ...

اصفهان : تاریخ.....

پدوعزیزم :

بایدنکه هنوز بیش از یک هفته از مسافرت شما تهران نمیگذرد ، دوریتان در من و سایرین فوق العاده اثر کرده است . حالا میفهمم که آن رشته ای که قلب پدر و فرزندان را بهم می پیوندد ، چقدر مقدس بوده ، و چگونه با تاروپود خدائی بهم تابیده شده است .

بعضی اوقات فکر میکنم که اگر محبت ، آنهم محبت خانوادگی ، در دنیا نبود ، عالم چگونه میگذشت و نظام زندگی چطور برقرار میشد .
در غیبت شما ، کار هائیکه سوارش کرده بودید ، با کمال دقت انجام گردید . پرویز را هم بمدرسه گذاشتیم . احتیاج بچیزی هم که تقاضای خرید یا مرستادن آن را در این نامه بنمایم ، نداریم .

وضع هوای شهر کاملاً خوب و مخصوصاً برخلاف سالهای پیش میوهها فراوان و ابتدا بهارچ حمل نمیگردد .

هموم بستگان و آشنایان سلامتند . مادرم و بچه ها خدمت شما سلام میرسانند . خودم هم دست شما را بوسیده و آرزومندم که باموفقیت کامل از این مسافرت باز گردید .

تقریبان شما

امضاء.....

در این نامه و نامه های نظیر آن ، نشانی را
نمینویسیم ، لابد خودتان بهتر میدانید .

مبدأ : تاریخ

مادرم :

دیشب نامه شما رسید ، و با زیارت آن ، دو سعادت بزرگ بمن رو آورد . یکی دستخط عزیز آئین مادر گرامی که از هر سطر آن یک دنیا مهر بانی و بزرگواری چشم خورده و دلم را روشن و نورانی کرد . و دیگر عکس افراد خانواده بود .

برای من که دوسه ماه است از کانون گرم خانوادگی دور و میان دنیای تهی و محصورم ، هیچ شادمانی و مسرتی بزرگتر از دیدن شما نیست . حالا که ادامه تحصیل ، و انجام وظیفه بزرگیکه پیش گرفته ام ، مرا از این سعادت محروم کرده ، چه بهتر که همه آرزوهای خود را در نامه و عکس شما جستجو نمایم .

هفت ، هشت بار نامه را خواندم . ولی مثل آدم گرسنه ای ، هر دفعه اشتهای خواندنم بیشتر میشد و با آنکه میدانم گرفتاریهای خانوادگی زیادی دارید ؛ تقاضا میکنم ، زود بزود مرا از این سعادت بهره مند ساخته و اقلاً هر هفته یکبار جریان حال و زندگی خود و سایر عزیزان را برآیم بنویسید . حال من بد نیست - [منتهیات نیمه اول را گذرانده ام . جمعه پیش هم همراه دبیر محترم و سایر همکلاسان خود برگردش اطراف شهر رفته و روز با مسرتی را گذراندم .

درباره لباس نوشته بودید ، لازمست عرض کنم که چون تا کنون لباسهای سابقم تقریباً نمانده ، احتیاجی بخریدن لباس تازه ندارم ، از اینرو از فرستادن پول ، خودداری نمائید . انشاء الله در تعطیلات تابستان وقتیکه نزد شما برگشتم ، همانجا تهیه میکنم . پدر عزیزم را سلام رسانده و بچه ها را از راه دور میبوسم .

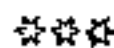
بسرت که همیشه دلش آکنده از محبت است

ایضا

مبدأ : تاریخ

مادر ارجمندم :

نزدیک بدو هفته است که از شما دور شده‌ام . در این مدت آنچه که بیشتر مرا بخود مشغول داشته، باد شما و محبت‌های شماست. دوری و غربت هر عیبی داشته باشد ؛ دست کم این خوبی را دارد که ارزش چیزهای عزیز و دوست داشتنی را بیشتر بر آدم آشکار می‌سازد .
 میان همه چیزهای زیبایی که، اکنون در خاطر من می‌گذرد ؛ چهره مهربان و گرمی شما ، بالاتر از همه قرار دارد .
 از خدا کامیابی می‌خواهم ، تا بتوانم یک‌هزارم محبت‌هایی که دست کرده‌اید ، جبران نمایم .



در مورد بیماری برادرم ، همانگونه که انتظار میرفت دکتراها آخرین راه نجات را عمل جراحی معده ایشان تشخیص داده و اکنون سه روز است که با موفقیت عمل کرده و خوشبختانه رو به بهبودی است. بنابراین خیالتان از هر جهت آسوده باشد .
 بیمارستانی که او را بستری کرده‌ایم ، از بهترین نمونه‌های خود بوده و مخصوصاً رفتار پزشکان و پرستاران بیش از هر چیز مایه امیدواری من و دلخوشی اوست .
 شاید تا ده روز دیگر کارما بکلی تمام بوده بتوانیم زیارت شما موفق شویم .
 البته تا آنروز مرتباً گزارش زندگی خود و حال برادرم را برای شما مینویسم .
 در پایان دست شما و پدرم را بوسیده و جواهر و برادر عزیزم را سلام می‌رسانم .

قربان تو دخترت

امضاء . . .

نشانی : . . .

هدا : تاریخ

- زی پروتوار :

شیروز نامه مهرآمیز شما زیارت شد و از محبت‌هایی که در ضمن آن نسبت به بنده ابراز فرموده بودید ؛ بینهایت مفتخر گشتم .
اگر همه خویشاوندان و نزدیکان ، مثل جنابعالی بفکر آشنایات دور افتاده بودند ؛ هرگز بار زندگی بردوش انسان ، اینقدر سنگینی نمیکرد . امیدوارم که همیشه بیاد ما باشید .
حال پدرم بد نیست و همچنان بامور مغازه خود رسیدگی مینماید . برادرم نیز که ازدانشرا دیپلم گرفته بود ، اخیراً با استخدام فرهنگ درآمده و ساموریت رفته است .
سایر افراد خانواده هم بعمدالله کسالتی نداشته ، همگی از محبت‌ها بی‌پایان شما سپاسگزار و توفیق‌تان را در تمام کارها خواستارند .

همراه این نامه ، یک سیدنا قابل میوه تقدیم گردید که امیدوار است با قبول آن برهمگی ما منت گذارید . پدر و مادرم و کلیه افراد فامیل خدمت شما و خانواده گرامی عرض سلام تقدیم میدارند ، در انجام اوامر جنابعالی با یکدنیا افتخار حاضریم .

آنکه شمارا از یاد نمیبرد

امضاء

شیراز : تاریخ

نانه جان محترم :

از روزیکه از اهواز برگشته و از زیارتان محروم شده‌ام،
اطلاعی از حال شما ندارم. البته فرسیدن نامه از سوی شما، جز گرفتاریهای
مضامونادگی و وظیفه مقدس پرورش فرزند، علت دیگری نمی تواند
داشته باشد.

با وجود این، از آنجا که عموم افراد خانواده، بویژه من و مادرم،
بیش از همه مشتاق زیارت نامه های شما و اطلاع بر سلامتتان هستیم.
آنظار داریم که گاهگاه با چند کلمه، این آرزو را بر آورید.
مادرم خدمت شما سلام مشتاقانه رسانده و مایل است اکنون که
شهریور رویا بان است، اگر فرصت دارید، سفری بشهر مایا بید تا چشمان
بدیدارتان روشن گردد.

مخصوصاً از آنجا که پائیز شیراز فوق العاده دل انگیز و نشاط افزا است،
گمان نمیکنم شما بد بگذرد. دیگر بسته بنظر خودتان است.
عموم افراد منزل سلامت و خدمت شما به عرض سلام مصدعد. برای
روح اشتباه دوباره نشانی کامل خود را در زیر نامه برایتان مینویسم.

بامید نامه های پر محبت شما

دوستدارتان امضاء ...

... انی :

میداد: تاریخ

دائی بزرگوار و عزیز

دیروز یکی از آقایان در نامه خود ، از کسالت شما
 با خبر داده بود . باور کنید که از آن ساعت تا کنون ، بکلی نور شادمانی
 از خانه ما و خانه دلبران رخت بر بسته است . درست است که بیماری و
 کسالت ، از چیزهای عادی زندگی بوده و هر کس کم و بیش با آنها سر
 و کار دارد ؛ ولی من هر چه فکر میکنم ؛ نمیتوانم خود را راضی نمایم
 که آن وجان آن دای عزیز و مهربان در زیر فشار بیماری رنجبه گردد .
 امیدوارم تا رسیدن این نامه ، اثری از کسالت در وجود شما نباشد .
 مادرم مخصوصاً بیش از همه نگران شماست . و دیروز هم بهمین مناسبت
 تلگرامی خدمتان تقدیم کرد . این تنها نامه من نیست ، بلکه این کلمه ها
 زبان حال تمام افراد خانواده است که مرا مأمور نوشتن و تقدیم آن
 کرده اند

پدر و مادرم و همه خانواده خدمت شما و خاتم محترمتان سلام رسانده
 و سلامتی جناب عالی را آرزو مندند .

دل من میخواست بیش از این با شما حرف بزنم ، ولی چون هم کسالت
 داشته و هم وقت عزیزتان اجازه نمیدهد ، نامه را بسلامتی شما پایان
 میرسانم .

آرزو مند سلامتی و ندرستی شما

امضاء

مبدأ: تاریخ

پسر عموی عزیز :

امروز درست یکماه است که از تهران رفته‌اید. شاید در این شهر بزرگ که هر روز و هر ساعت هزاران واقعه‌ی تازه پیش می‌آید، این رفتن و دوری شما پیش از هر چیز برای من مهم بوده و خاطر من را پریشان کرده باشد.

هر روز صبح، سری باطابق شما می‌زنم و از در و دیوار و اتاق آن، یاد شما را در خود تازه کرده بر روزهای عزیزیکه در کنار هم با استفاده از کلاس درس مشغول بودیم؛ حسرت می‌خورم. من میدانم شما چندان از ما دور نبوده و یکی دو ماه دیگر، باز هم برای ادامه تحصیل؛ تهران و منزل ما خواهید آمد. اما با وجود این دلم بکار چندان علاقه‌ای ندارد، و مثل اینستکه چیزی را گم کرده‌ام.

از اینجا می‌فهمم که دوستی و محبت، چه داری بی‌مانند است و چگونه انسان وقتی مردم را دوست داشت؛ می‌خواهد بهتر و بیشتر کار کند و زنده بماند!

دیروز بد بیرستان رفتم، خوشبختانه نتیجه امتحان هم ردوی ما خوب بود. خوشوقتم که میتوانم کارنامه قبولیت را بعنوان بهترین هدیه‌ای همراه این نامه تقدیم نمایم.

سلام مرا خدمت عموی گرامی و مادر محترمت تقدیم کن. میل از آمدنت بهترین خوشحالیم اینست که اگر در تهران کاری یا احتیاجی داشتی بمن رجوع کنی.

قربانت امضاء.....

مبدأ : تاریخ

نوسفر کردی و خونان همه گیسو کفزدند
در فراق تو عجب سلسله ها بر هم خورد

خواهرم :

از روزی که بقصد تهران حرکت کرده ای ، مثل اینستکه چیزی از
زندگی ما کم شده است . همگی از نبودن و ندیدن تو ، سوزشی در دل
احساس میکنیم ؛ که سایه نداشته است ؛

مخصوصاً من ؛ با وجود سرگرمیهای درسی و گرفتاریهای تحصیلی
که دارم ، بهیچوجه نمیتوانم دوری خواهر عزیزم را تحمل بسا اقل ساعتی
ذهنم را از خیال او خالی نمایم .

حالا که دل ما اینطور ازدوری تو رنج میبرد ، قطعاً قلب مهربان
تو که کانون محبت و مهرورزی است ؛ بیش از اینها در تب و تابست .
یا خدا را شکر میکنم که نامه های تو ، زود بزود میرسد و بسا
زیارت و خواندن آن چشم همگی روشن میشود و درست مثل اینستکه
نیمی از وجود ترا در خانه می بینیم .

دیرا خطی که نا دست آن خواهر مهربان ، نگارش یافته ، همان
گرمی و محبت مخصوص را دارد ،
بچه ها همگی سلام میرسانند . پدر و مادرم چشم برافند که هر چه
زودتر در کثرتان موفق بوده و باز گشت نمائید . خودم بیش از دیگران
آرزومند دیدار شما هستم .

برادرت امضاء .

مبدأ : تاریخ.....

برادر مهربانم :

نامه شما رسید و یکدنیا روشنایی و گرمی برنده گانی ما بخشید . بعضی اوقات درباره کسانی که برادر یا خواهر خود را از دست داده اند ؛ فکر میکنم ، و بی اختیار ساعتها میگیرم .
 ذرا میدانم وقتی که دوری کوتاه شما اینطور جان ما را خسته میکنند ؛
 حال کسانی که برای همیشه ، برادرشان از آنها دور است ، چگونه خواهد بود ؛
 سپس از خدا میخواهم که هیچگاه قلبهای مهربان را از هم جدا نکند
 این بالاترین دعای همیشگی منست .

باری ، نوشته بودید که ؛ واسطه ذمالتهای زیاد و مطالبه های دائمی ؛
 گرفتار کسالت شده اید . درست است که در راه هدف عالی کسب دانش ،
 تحمل هر گونه رنج و مشقنی ناچیز است ؛ ولی مثل معروف : « هر چیز بجای
 خویش نیکوست » را هم نباید از خاطر دور داشت .

ضد و کسالت شما بواسطه اینستکه استراحت و تفریح بموقع را
 فراموش کرده اید . انسان هر چند هم که گرفتار کارهای لازم باشد ؛ باز هم
 تا گزیر است ، برای رفع خستگیهای بدنی و فکری تفریح و استراحت نماید .
 چون تعطیلات عید در پیش است ، گمان میکنم موقع مناسبی برای
 شما باشد که چند روزی نزد ما بیایید . پدر و مادرم سالم و مثل من آرزو مند
 موفقیت و سلامتی شما هستند .

با امید دیدار نزدیک

خواهرت

امضاء . . .

.....
 ابتدا : تاریخ.....

دور چشم عزیزم :

دیروز کارنامه ترا از طرف دبیرستان ، بمنزل فرستاده بودند . از دیدن آن همه نمره های درخشان ، که حاصل زحمتهای پرثمر تو بود ، همه مایکدنیا خوشوقت شدیم .

از زندگی خود راضی گشتم که بعد از آن فرزند عزیز در میان همگنان خویش سرافراز شده و نتیجه زحمتهای مملمان خود را به دست آورده است . خوشوقتی دیگر من و مادرت این بود که حاصل تربیت ما نیز در باره نوبی شمر نمانده است و لیاقت آنرا داری که فردا خانواده را سرپرستی کرده آبروی پیشینیان و گذشتگان را نگهداری . چون میدانم در بیلاق وقت کافی داری ، لذا دو جلد کتاب «سرگذشت مردان بزرگ» را با اضافه بکدامت لباس و وسائل شنا برایت فرستادم که از آنها حداکثر استفاده را بنمایی .

عموها و سایر بستگان محترم را سلام برسان . مادرت مراتب رضایت و خرسندی و محبت خود را بتو اعلام داشته و خواهرت سلام میرساند . چون وقت داری ، تکلیف خانه را هم ، همانجا معلوم کرده آنرا اجاره بده ، و در موقع احتیاج بوسیله تلفن یا تلگراف با ما مشورت کن .
 بیش از پیش موفقیت آن فرزند عزیز را طالبیم

امضاء

هدایا : تاریخ

فرزند گرامی من :

نامه سرنا با محبت رسید ، خوشوقت شدم که نور چشم من ، کم کم بمرتب‌های شایسته زندگی رسیده است ، زیرا طرز جمله بندی و روش نوشتن نامه ، بقدری خوب و زیبا بود ؛ که با نامه‌های یکسال پیش تو ، ابدأ شباهتی نداشت . همین چیزهاست که دل مرا از شادمانی و مسرت مالا مال کرده و اطمینان میباید که آینده درخشانی در انتظار است . درباره ما اظهار نگرانی کرده بودی ؛ ولی خاطررت جمع باشد که گرچه دوری تو برای همگی سوزنده ورنج آور است ، ولی در برابر موفقیتها و پیشرفت‌هایی که کسب میکنی ، این مهر و مینها ، برای ما قابل تحمل میباشد .

علی ، برادرت ، چون خیلی علاقه بدیدن تو داشت ، دیروز بوسیله مبین تور حرکت کرد . البته از وضع حال و سلامتی همه افراد خانواده هر گونه اطلاعی را در دسترس تو خواهد گذاشت چون چند روزی بیشتر پایان امتحانهای تو مانده ؛ منتظرم که پس از تمام کردن کارها ، هرچه زودتر باهم مراجعت نمایید .

بدوت بیش از من مشتاق دیدن تست

ماورت امضاء

فداه : تاریخ.....

دوست گرانمایه :

از اینکه در نامه خود نسبت به بنده آنهمه محبت و لطف را ابراز فرموده بودید ؛ نهایت سپاسگزارم . از طرف دیگر هرچه فکر میکنم ، خود را قابل آنهمه مهربانی ندیده و بی اختیار احساس شرمندگی مینمایم .

کاش خداوند بمن توفیق بیشتری میداد ، تا این زندگی بی ارزش را صرف خدمت بدوستان میکردم .

همچنانکه خودتان میدانید ، بنده پیوسته برای انجام کار دیگران آمادهام ؛ چه رسد بکار دوستان عزیز چون شما . از اینرو انتظار دارم که نسبت باین خدمت کوچکی که بجا آوردهام ؛ بیش از این با یادآوریهای خود خجلم ننمایید . بلکه از شما خواستارم که با رجوع کارهای بزرگتر ، بر بنده منت گذارید زیرا :

سر ، که نه در راه عزیزان بود بارگرانی است کشیدن بدوش حضور محترم دوستان عزیز و آشنایان محترم ، هر ض سلام مرا ابلاغ فرمائید . فرصت را غنیمت شمرده و از راه دور ، دست پر محبت شمارا میفشارم

ارادتمند صمیمی

امضاء

این نامه یکسری نوشته شده که دوست خیلی نزدیکی نیست از اینرو «عنوان» و جمله «پایان» و سازدن کلی آن ، دارای کلمات سنگین و موقر است . ناخواندن نامه بندی ، که بدوست خیلی نزدیک نوشته شده ، تفاوت این دو قسم نامه را خوب میفهمید .

مبدأ : تاریخ

از رفتن تو جانا ، دانی چه مانده بر دل ؟ از کاروان چه مانده جز آنشی بمنزل
احمد عزیزم :

من نمیدانم کسایکه در دنیا مزه دوستی را چشیده اند
آیا بحرف آن شاعر بکه میگویید :

«از دل برود هر آنکه از دیده برفت» اعتقادی هم دارند یا نه ؟
بطور قطع ، این بهانه کسایستکه اردوستی فقط سازم و تعارفی آداب
ظاهری را آموخته اند و الا آنکه حقیقتاً ارزش محبت و وفا را دریافته باشد
منگام دوری دوستان ، جزرنج و اندوه ، محنت و درد ، چیز دیگری احساس
نخواهد کرد .

نبودن و ندیدن تو ، طوری حواس مرا پرت کرده که بیشتر اوقات
در کوچه و خیابان اشخاص دیگری را بجای تو گرفته و با یکدیگر شادمانی
بدنبالشان میدوم ؛ ولی بدبختانه اشتباهی بیش نیست . آهیم چه اشتباه
دردناکی که تلا امروز صد مرتبه تکرار شده است !

از اینرو بیشتر وقتها فکر میکنم که اگر از دنیا محبت و درستی را
بردارند ؛ آدم به چه دلخوشی دیگری میتواند زندگی کرد ؟

امیدوارم هر کجا هستی ، سالم و در کارت با موفقیت و بر روی باشی . تا
کنون ۵ نامه از تو رسیده و هر کدام مرهسی مرا که در دستای ، رونی و دست
بوده است . اگرچه من با خواندن این نامه ها امیدوارم گذشته خود را با یاد
ولی با وجود آن زیارت خط عزیزت ، تمام یادهای گذشته را در چشم زده
کرده و مرا امیدواری میدهند . نمیدانم پدرت از مسافرت گذشته است یا
همچنان گرفتار سرپرستی کارهای خانوادگی هستی . بهتر بدانی در این وقت
تمام ایران خانوادگیات تقسیم کن .

مهر و محبت همیشه . . .

مبدأ : تاریخ

مشفق مهر بانم :

یکدنیا شرمنده و نگرام که در تقدیم جواب نامه‌ات تأخیر کردم . با اطلاعی که از گرفتاری های من داری ، مطمئنم که اینست موضوع را بحساب فراموشی یا خدای نخواستہ کم ارادتی من نخواهی گذاشت . از تو پنهان نمائند که سوای کارهای معمولی و وظایف هائی که بحیثیت دارم ؛ اخیراً نیز بدوم ، بمسافرتی طولانی رفته و سرپرستی امور خانواده را بدست من سپرده است والا :

من آن نیم که دل از مهر دوست بردارم و علت دیر کشیدن پاسخ نامه شما هم چیزی جز همان گرفتاری بالا نبوده است .

با وجود این ، چون در برابر محبتهای بی پایان آن دوست عزیز ، بیوسه مدیونم ، میتوانم قول بدهم که از این پس ، باتمام گرفتاریهای موجود ، در تقدیم نامه و انجام اوامر آن عزیز ، کوتاهی و تنصیری بکرده و وظایف خود را انجام دهم .

کتابهایی که خواسته بودید ؛ همراه همین نامه تقدیم داشتم و قبض پستی آن بیوسه است . حضور محترم پدر گرامی و سایر افراد خانواده شما سلام میرسانم .

قربانت امضاء

عیداً : تاریخ

شد مدتی که گفت و شنو یا تو و تعداد . . .

دوست فراموشکار !

اگر بس از مدت‌ها رفاقت و دوستی ، ترا آزمایش نکرده
بودم ، میتوانستم علت قطع نامه بکاریت را کم تجربگی تو در کار دوستی
بدانم . ولی خوشبختانه اینطور نیست و گمان میکنم يك روح فراموش
کاری و بی بند و باری بر زندگی تو غلبه کرده و الا هرگز اینطور رشته
محبت را پاره نمیکردی .

الان نزدیک بیگسال است که از حال تو خبری ندارم . فقط گاهگاه
از مسافران آشنا ، احوالت را پرسیده و خیال خود را از اندیشه‌های ناگوار
فارغ میکنم . برای من و تو که سالها در کنار هم زندگی کرده و دوستان
مورد حسادت دیگران بوده ، حقیقتاً تاسف آور است که این گونه زنجیر
دوستی را بدست فراموشی دهیم ، تا آن را پاره کرده و بگوشای بیفکنند .
خدا کند قلب مهربان تو کانون غم و غمه یا رنج و اندوهی نگشته
تا با زهم جای نگهداری اینگونه دوستیها را داشته باشد .

حال من بد نیست و باور کن تنها غصه ام دوری و بیخبری از تست که
انتظار دارم برسیدن این نامه . از میان برخاسته ؛ ورشته مکاتبه برقرار
گردد . من تنها درباره خودم از تو این خواهش را دارم ، بلکه تنها
میکنم ؛ با همه دوستان قدیمت ، گفتگوی محبت را از سر گیری .

زیرا آنها هم از نبودن تو و ندیدن نامه‌هایت همان رنجی را میکشند
که من دارم .

آنکه قیافه مهربانت مرا فراموش میکنند .

امضاء

نشانی :

مبدأ : تاریخ -.....

دوست نازنینم :

خبراندوه بار ، در گذشت پدر بزرگوارت همانگونه که قلب ترا گرفتار رنج و ملال کرده ، در من نیز مؤثر بوده است. این سخن کزاف نیست و حقیقت است .

اگر من از نزدیک باخلاق ملکوتی و صفات پسندیده آنت مرحوم آشنایی نداشتی و در خدمت ایشان درك فیض نکرده بودم ؛ حالا تا اندازه زیادی بارغمم سبکتر بود .

ولی همان آمد و رفت های دائمی بانو و تماسی که با ایشان داشتم ، موجب آن گشته است که خاطره آنصورت مهربان و آن وجود گرامی ، هیچگاه از یاد من نرفته ، و فقدان ایشان بمنزله مصیبت بزرگی برای من محسوب گردد . از سوی دیگر می بینم که شربت مرگ جامی است که هر زنده ای خواهی نخواهی از آن می نوشد و منحصر من بطقه یا دسته معینی نیست . آری :

در روزگار هر پیری بی پدر شود تنها تو نیستی که شدی بی پدر همی
 بر هر که بگذری بهمین درد مبتلاست یداع نیست لاله باغ بشر همی
 تولد و مرگ ، آمدن و رفتن از قانونهای مسلم روزگار است . خوشوقت کسانی که در طول زندگی خود بخوشنمایی و بزرگواری زیسته اند . پدر تو جزو همین دسته بود . اکنون بزرگترین امیدواری دوستان او اینست که فرزند برومندی چون ترا پرورش داده است که از هر جهت شایسته جانشینی آن فقید بوده قادری نام و نشان او را همچنان تابنده و روشن نگهداری .
 با آشنای بی که بروح بزرگ و قلب بردبار و افکار بلند تو دارم . مطمئنم که نه تنها این مصیبت بزرگ را با صبر و متانت تحمل میکنی ، بلکه وسیله دلداری و تسلی سایر داغدیدگان را هم فراهم خواهی ساخت . در پایان باز هم تسلیتهای قلبی خود را بتو و عموم بازماندگان تقدیم داشته و شادی را آرامش روح آن مرحوم را از خدای مهربای خواستارم . دوست داغدار تو
 امضاء.....

نشانی :

مبدأ : تاریخ

ارجمندا ، عزیزا :

من میدانم . اگر دوستی و همدردی در جهان نبود ؟
 آدمی چگونه میتواندست زبربار غمهای دل شکن بزندگی ادامه دهد ؟
 وفدان پدر عزیزم ، درحقیقت بزرگترین ضربه ای بود ؛ که در این
 موقع بزندگانی من وارد آمد ، البته من میدانم که پدر همه میمیرد ؛ ولی
 بدبختی من اینستکه او ، هم پدر و هم بهترین دوست و پشتیبان من بود و
 همین موضوع بیش از هر چیز ، خاطر مرا پریشان داشته ، عشق و علاقه بزندگی
 را در من خاموش میکند .

اما در برابر این مصیبت جانفرسا ، محبتها و همدردیهای دوستان و
 یاران عزیز می چون تو ، بسزله آبی است که بر آتش اندوه و تأثر من و
 سایر بارماندگان ریخته شده و بی اختیار قلب دردمندان را امیدواری
 میدهد .

ال خداوند میخواهم که نعمت سلامتی را از تو باز نگرفته ، عفریت
 عم و مصیبت را بخانه ات راهی نباشد . نامه تسلیت آمیز تو ؛ بیش از همه
 بمن دلداری داد .

تنها امیدم اینستکه اگر آنچنان گوهر گرانبهایی را از دست داده ام ؛
 اقلا دوست مهربان و گرانمایه ای چون ترا دارم که پیام محبت او ، مرهم دردهای
 زاندمیم باشد .

از طرف خود و بازماندگان مراتب تشکر و سپاسگزاریم را تقدیمت مینمایم .
 آنکه همیشه مدیون مهربانیهای تست

امضاء